



بررسی تحولات شهرستان نائین (از ورود اسلام به ایران تا دوره پهلوی)

محمدعلی کاظمی فر^۱

چکیده

نائین با وجود قرار گرفتن در اقلیم جغرافیایی بیابانی و خشک، پیشینه تمدنی غنی دارد؛ به گونه‌ای که سابقه تاریخی آن به پیش از ورود اسلام به ایران برمی‌گردد. با این وجود تحقیق مستقلی درباره تحولات این شهر انجام نشده است. اهالی این شهر همواره در برابر هجوم اقوام بیگانه همچون مغولان و بعدها تیمور و فرزندانش ایستادگی کردند. در دوره صفویان، نائین جزو توابع اصفهان قرار گرفت و این تغییر، موجب رشد و شکوفایی این شهر شد. افزون بر این، تحولات سیاسی و اجتماعی نائین از دوره صفوی تا دوره قاجار تحت تأثیر ورود قبایل عرب عامری به این منطقه و فعالیت‌های آنان بود و همچنین درگیری‌های معروف به نعمتی و حیدری به این فعالیت‌ها دامن می‌زد. پس از خوگرفتن ایرانیان با تمدن جدید و مظاهر آن از دوره مشروطیت به بعد، نائین نیز تحت تأثیر این تحولات قرار گرفت و سیمای آن تغییر کرد. در این مقاله سعی شده است با بهره‌گیری از منابع متقدم و تحقیقات متأخر، ویژگی‌های طبیعی شهر، فرهنگ مردم نائین و روند تحولات سیاسی و اجتماعی این شهر در دوره زمانی ورود اسلام تا دوره پهلوی بررسی شود.

واژگان کلیدی: نائین، تحولات تاریخی، دوره اسلامی، دوره پهلوی

^۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه خوارزمی.

مقدمه

نائین از گذشته‌های دور، یکی از مناطق مهم در فلات مرکزی ایران بوده و مردمانی تیزهوش، کاردان و با اراده در آن رشد یافته‌اند، به گونه‌ای که با وجود کمبود امکانات، شخصیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی بسیاری از این خطه برخاسته‌اند. با این اوصاف، پژوهش‌چندانی درباره این شهر و مردمان آن در طول تاریخ و چگونگی مواجهه آنان با حوادث و گذر زندگی انجام نشده است؛ پژوهش‌هایی نیز که در این باره به انجام رسیده، با وجود ارائه مطالب مفید، از جامعیت منابع و دامنه تحقیق کمی برخوردار است. در این پژوهش، نگارنده بر آن است تا مسائل محوری تحولات تاریخی نائین از جمله تحولات جغرافیای انسانی و تأثیر محیط طبیعی بر این فعالیت‌ها. (بیک محمدی، ۱۳۹۰: ۱۵) و همچنین تحولات تاریخی و فرهنگی نائین در بستر مکان جغرافیایی، تأثیر جغرافیا بر شیوه زیست و معیشت اهالی نائین و مواردی از این دست را با بهره‌گیری از منابع متقدم و تحقیقات متأخر، به روش توصیفی - تحلیلی با استناد به داده‌های تاریخی و جغرافیایی به انجام رساند. از آنجاکه از تحولات نائین در ایران باستان اطلاعات درخور توجهی در دست نیست و بیشترین گزارش‌ها از نائین در منابع تاریخی به دوره اسلامی، به ویژه پس از دوره مغولان و صفویه و پس از آن مرتبط است؛ بنابراین تحولات نائین در دوره اسلامی متن اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد.

وجه تسمیه نائین

این شهر به دو شکل نائن و نائین تلفظ می‌شود. (بلاغی، ۶۷) از بررسی مجموع روایت‌ها و نوشته‌ها درباره وجه تسمیه نائین، سه علت برای نامگذاری این منطقه به این نام می‌توان برشمرد. نخستین عامل، قرار گرفتن نائین در کنار دریاچه‌ای بوده، که نی زیاد در اطراف آن می‌روییده

است (فرهنگ جغرافیایی...، ۱۱۸) عامل دیگر، انتساب آن به یکی از پسران نوح است. به نوشته فارسنامه ناصری یکی از پسران نوح به نام نائن بن نوح بنیانگذار این شهرستان می‌باشد. (همان. جامع نائینی، ۱۳۸۳: ۲۳) علت دیگر انتساب این است که این محل، مرکز دستیابی به آب در منطقه بوده و معنای نائین آب دار و محل اکتشاف آب بوده است. محمد مهریار این وجه تسمیه از نائین را پذیرفته است و درباره علت نامگذاری آن می‌نویسد: «اگر در زبان فارسی حاضر [۱۳۸۲] «نا» با آب مربوط است ولی یک نوع خاص آب به حساب می‌آید، پیداست که در قدیم این رعایت نبوده و «نا» آب معنی می‌داده است چنانکه در شعر منوچهری در نامواژه‌های نی، نی‌نی و نیه و نایین یعنی جایی که آب دارد. البته نباید تصور کنیم که مقصود از این کلمه این است که در آنجا رودخانه بزرگ و آب‌های بسیار وجود دارد. نیاکان ما که در روزگاران کهن در فلات ایران پخش و منتشر بوده‌اند همه‌جا در صدد جستن آب هستند و آب در نظر آنها اعم از آب در روی زمین و زیرزمین است و نایین هم یعنی منسوب به آب و آب‌دار به این معناست که در اطراف آن هرچه قنات حفر کنند به آب می‌رسد و کثرت دیه‌ها در اطراف نایین ملهم و موضح همین معناست. با این توضیح شکی در معنای نایین از باب فقه اللغه و تطور لغت باقی نمی‌ماند.» (مهریار، ۷۹۰)

جغرافیای طبیعی و سیاسی

شهر نائین در عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۵۱ دقیقه و ۴۲ ثانیه شمالی و در طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۳ دقیقه و ۴۰ ثانیه شرقی قرار دارد. (بلاغی، ۱۳۶۹: ۸) این شهرستان از شمال به استان سمنان، از شرق به استان خراسان، از جنوب به استان یزد و از مغرب به اردستان و اصفهان محدود می‌شود. (فرهنگ جغرافیایی...، ۱۳۶۰: ۷۲/۱۱۷) نائین یک سوم مساحت استان اصفهان را تشکیل می‌دهد و در حال حاضر وسیع‌ترین شهرستان استان اصفهان، شامل سه بخش مرکزی، انارک و «خور و بیابانک» و چهار نقطه شهری به نام نائین، خور، جندق و انارک و هفت دهستان

شامل کوهستان به مرکزیت روستای بلان، بهارستان به مرکزیت روستای کجان، بافران به مرکزیت روستای بافران، لای‌سیاه به مرکزیت روستای هماباد، چوپانان به مرکزیت روستای چوپانان، نخلستان به مرکزیت روستای مهرجان، بیابانک به مرکزیت روستای فرخی است. شهر نائین از شمال به دشت کویر، از جنوب به بخش‌های اردکان و خَرَاتق و بافت وابسته به استان یزد، از غرب به بخش کوهپایه و از شرق به شهرستان طبس محدود است. (همان)



تصویر شماره ۱: موقعیت نسبی شهرستان‌های نائین در استان اصفهان

شهر نائین در فاصله ۱۴۵ کیلومتری شرق مرکز استان اصفهان. (شهر اصفهان) قرار دارد. اصطخری جغرافی‌دان قرون نخستین اسلامی، فاصله این دو شهر را ۴۵ فرسنگ دانسته است. (اصطخری، ۲۰۰۴: ۸۱) این در حالی است که اعتماد السلطنه وزیر انطباعات ناصرالدین شاه در مرآة البلدان، فاصله اصفهان تا نائین را ۲۶ فرسنگ برشمرده است. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۸۷)

امروزه شهر نائین بر سر راه ترانزیت تهران - بندرعباس واقع شده است. در منابع تاریخی و جغرافیایی گذشته، نائین یکی از آبادی‌های یزد محسوب می‌شد. در تاریخ گزیده، جغرافیای حافظ ابرو، فارس نامه ابن بلخی و تاریخ یزد چنین گزارش‌هایی دیده می‌شود. حافظ ابرو نائین را در کنار شهرهای میبد و فهرج از آبادی‌های متعلق به ناحیه یزد می‌داندست. (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲/۱۱۰) در فارس نامه هم از نائین به عنوان یکی از توابع یزد نامبرده شده است. منصور رستگار فسایی در تحشیه بر فارسنامه ابن بلخی در این باره می‌نویسد: «سه شهر میبد و عقدا و نائین در شمال باختری یزد به ترتیب یکی بعد از دیگری در حاشیه کویر جای داشتند و معمولاً از توابع یزد شمرده می‌شدند اگر چه برخی از نویسندگان نائین را از توابع اصفهان شمرده اند.» (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۴۴۶) حمدالله مستوفی قزوینی در نزهة القلوب، نائین را ذیل شهرهای یزد معرفی کرده، آن را از اقلیم سوم شمرده و چنین آورده است: «نائین شهر کوچکیست دور قلعه‌اش چهار هزار قدم و حقوق دیوانیش دو تومان و دویست دینار است.» (مستوفی، ۱۱۹-۱۲۰) در گزارش‌های محققین نیز چنین دیدگاه‌هایی دیده می‌شود (لسترنج، ۱۳۶۷: ۱۰۶).

شهرستان نائین جزو اقلیم بیابانی به شمار می‌رود و دو نوع آب و هوای گرم و خشک در ناحیه مجاور کویر و معتدل کوهستانی در جنوب غربی آن قرار گرفته است. (سجادی نائینی، ۱۳۷۹: ۱۱) مؤلف مجهول الهویه حدود العالم در قرن چهارم هجری، نائین را سردسیر و با سیب بسیار و برحد میان پارس و بیابان ذکر کرده است. (حدود العالم...، ۱۳۷۲: ۸۰) در این شهرستان اختلاف درجه حرارت شب و روز در فصول سال کاملاً محسوس است و بارش در آن بسیار کم و تابستان‌ها طولانی و بدون باران است. به تناسب اقلیم گرم و خشک، قنات یا کاریز به عنوان یک فناوری پیچیده در رابطه با رفع نیازهای مهم و حیاتی برای آبرسانی به شهر مورد استفاده قرار گرفته است و مسیر قنات‌ها در حال حاضر از شمال غربی به شهر فعلی و از غرب شهر به سمت شرق آن

گسترده شده است و مزارع و باغ‌ها و شهر را پوشش می‌دهند. (گلی زواره، ۱۳۷۳: ۱۹۵-۱۹۷) شهرستان نائین فاقد کوهستان‌های بلند و برفگیر است و تمامی آب‌های خود را یا از ریزش باران محدود و یا قسمت اعظم آن را از آبهای تحت الارضی فراهم می‌کند. (ساعدلو، ۱۳۵۷: ۸۷) این منطقه به دلیل شرایط خاص اقلیمی از داشتن رودخانه و چشمه بی بهره بوده و فقط یک رودخانه فصلی کم اهمیت از حدود ۵ کیلومتری شمال خور می‌گذرد. (گلی زواره، ۱۳۷۳: ۳۰) در حال حاضر نائین کم‌آب است. قنات‌های برخی دیه‌های اطراف خشک شده است؛ ولی در قدیم چنین نبوده است (مهریار، ۲/۷۹۰)

طبیعت بکر نائین از قدیم الایام زبانزد بوده است به گونه‌ای که در دوره صفویه به ویژه در عهد شاه صفی و شاه عباس دوم شکارگاه شاهان صفوی بوده است. (واله قزوینی، ۱۳۸۲: ۲۵۴) شهرستان نائین به لحاظ گستردگی و تنوع عوارض طبیعی از جمله کوهستانی، دشتی و ماسه‌ای بودن، تفاوت‌های بسیار بارزی در پوشش گیاهی و حیات وحش جانوری آن وجود دارد. در منطقه عباس آباد که یکی از مناطق بیابانی محسوب می‌شود، ۴۰۰ گونه گیاه که ۵۰ نوع از آن‌ها دارویی هستند وجود دارد. تاغ، قیچ، بادام کوهی، بنه، پسته وحشی، انجیر، درمنه، علف شور، زیره سیاه، ریواس، بیومرجانی، گز، و برخی از گونه‌ها و آویشن کوهی از جمله عمده ترین گیاهان این منطقه هستند. پوشش گیاهی نائین بیشتر برای چرای دام مناسب است. از حیوانات اهلی و وحشی نیز در منطقه نائین فراوان است از جمله این حیوانات که در این شهرستان وجود دارد می‌توان به خرگوش، روباه و شغال اشاره کرد. (فرهنگ جغرافیایی...، ۱۱۸)

یکی از علل ایجاد شهر نائین و پیشرفت ساختار شهری آن از گذشته تا کنون، موقعیت ارتباطی و قرار گرفتن آن در یکی از مسیرهای تجاری شمال به جنوب ایران طی قرون متمادی بوده است. در کتب جغرافی نویسان قرون نخستین اسلامی، نائین یکی از ایستگاه‌های مهم تجاری اتصال

دهنده شمال به جنوب کشور معرفی شده است. مشتاقی نائینی در گزارش کویر، به نقل از مقدسی، راه‌های کویری را این گونه ترسیم کرده است: «از سمت باختری کویر دو راه یکی از اصفهان و دیگری از نائین آغاز می‌شد که هر دو آنها در جرمق به هم می‌رسید. راه اصفهان هفت منزلگاه و راه نائین تا جرمق پنج منزلگاه داشت.» (مشتاقی نائینی، ۱۳۶۶: ۱۱) اصطخری جغرافی‌دان قرن چهارم نیز در المسالک و الممالک به توصیف راهی مشهور به «راه نائین» پرداخته که از دل کویر گذشته و به خراسان می‌رسیده است که در میانه آن شهر نائین یکی از مهم‌ترین ایستگاه‌های آن بوده است. (اصطخری، ۲۰۰۴: ۳۵۱) این مسیر تجاری از دوران نخستین اسلامی تا دوران معاصر مورد بهره‌برداری تجار و مسافران قرار گرفته است. یکی از سنت‌های تاریخی در ایران این بوده است که برای هر یک از شهرهای شناخته شده و معروف ایران لقبی زیبنده آن اختصاص می‌یافته است، لقب شهر نائین نیز مدینه العرفا بوده است. (مهدوی، ۱۳۸۶: ۴۷)

زبان مردم نائین، فارسی و توأم با گویش نائینی است که ریشه در زبان زرتشتی دارد. (فرهنگ جغرافیایی، ۱۱۷) این گویش، بازمانده از زبان پهلوی است. افزون بر این، مردم خور، گویشی کهن‌تر دارند و حتی لغات هخامنشی و اوستایی در آن گویش دیده می‌شود. (سلطان زاده، ۱۳۷۴: ۲۰)

مردم نائین که از گذشته همواره با مشکل کم آبی مواجه بوده‌اند، کمتر می‌توانستند به اقتصاد زراعی روی بیاورند، بنابراین به وجوه دیگر اقتصاد همچون صنایع دستی توجه داشته‌اند. صنایعی همچون عبا‌بافی و قالببافی و تجارت این محصولات در جاده ارتباط‌دهنده هند و بنادر جنوب ایران به جاده ابریشم در شهر ری یا نیشابور، مؤید رونق اقتصاد تجارتمندی و صنعتی نائین است. منابع نیز چنین دیدگاهی را تأیید می‌کنند. برای نمونه مسعود کیهان در وصف صنایع نائین می‌گوید:

«نائین دارای عباهای خوب بوده که اینک از بین رفته و ظروف آنجا نیز مشهور است». (کیهان، ۱۳۱۰: ۲۹۶) همچنین نویسنده دیگری در یک گزارش تقریباً مفصل درباره اوضاع اقتصادی و تجارتي نائین می‌نویسد و از اهمیت جاده تجارتي که از هند به جنوب شرق ایران و در ادامه به یزد و کرمان و نائین و از آنجا به جاده ابریشم متصل می‌شد، سخن می‌گوید. (مؤمن کرمانی، ۱۳۸۴: ۲۴) موهبت این جاده تجاری برای نائین، فروش کالاهای منحصر بفرد تولیدی کارگاه‌های عبا بافی و قالی بافی تولیدکنندگان زبر دست و ورود به عرصه تجارت پرسود جاده ابریشم بود. افزون بر این موارد، کاشی‌گری نیز از گذشته جزو حرفی بوده که مردم نائین در آن تبحر خاصی داشتند. (بلاغی، ۴۳) البته نباید از نظر دور داشت که اگر ریزش‌های جوی به قدری بود که آب کافی را در دسترس ساکنین این شهرستان قرار می‌داد، کشاورزی نیز رونق می‌گرفت و فرآورده‌های کشاورزی همچون گندم، جو، پنبه، پسته و گردو نیز به وفور عمل می‌آمد. (همان، ۱۱۹)

نائین پیش از اسلام

قدمت تمدن در نائین به پیش از اسلام می‌رسد. در دوران باستان و در دوره پادشاهی ساسانیان بر ایران، نائین جزو کوره اصطخر. (بزرگترین کوره ایالت فارس) بوده است. نائین هنگام حمله مسلمانان به ایران و در دوره فتوحات اسلامی پس از فتح اصفهان، مورد توجه مسلمین قرار گرفت. نائین به اتفاق سایر نواحی اصطخر در سال ۲۹ هجری به دست مسلمانان فتح شد و جزو فتوحات اسلامی گردید. نخستین جایی از توابع نائین که ساکنین آن مسلمان شدند، روستایی در شمال شرقی نائین است که به علت قبول اسلام «محمدیه» نام گرفت و اکنون نیز یکی از محله‌های نائین است. (گلی زواره، ۷۷)

نائین از صدر اسلام تا انقلاب مشروطیت

از حوادث و اتفاقاتی که در نائین از صدر اسلام تا قرون میانه اسلامی روی داده است، اطلاعات بسیار کمی وجود دارد. با این توصیفات، از جمله مهمترین وقایعی که در سده‌های نخستین اسلامی در نائین روی داده است می‌توان به روایتی درباره عبور امام رضا. (ع) از این شهر اشاره کرد. ایشان در سال ۲۰۰ ق در سفری که از مدینه به مرو تشریف فرما شده‌اند، نائین در مسیر راه آن حضرت بوده است. قدمگاه نائین، مسجد و حمام امام رضا. (ع) در محله گودالو، درخت واقع بین قریه بافران و نائین موسوم به موم روضا یعنی امام رضا، از جمله آثاری است که این روایت تاریخی بدان‌ها مستند شده است. (بلاغی، ۲۳۰-۲۳۱) از ورود حضرت به بافران. (در پنج کیلومتری نائین) و نائین در منابع اولیه ذکری به میان نیامده است، اما منابع محلی و برخی از تذکره‌های جدید درباره ورود ایشان به این دو شهر و قدمگاه‌هایی که منسوب به حضرت رضا. (ع) است، مطالبی آورده‌اند. (عرفان منش، ۱۳۷۶: ۱۰۹) ناصر خسرو قبادیانی بلخی سیاح و شاعر اواخر قرن چهار و نیمه اول قرن پنج قمری از نائین بازدید کرده است و بدون ارائه گزارشی از اوضاع این شهر، صرفاً به عبور از نائین اشاره می‌کند (ناصر خسرو، ۱۳۷۳: ۱۲۴)

قدمت اسلام در نائین را می‌توان از ابنیه‌های تاریخی اسلامی آن سنجد. در نائین آثار و ابنیه درخور توجهی از مسجد تا قلعه، وجود دارد که آمیخته‌ای از فرهنگ ایرانی - اسلامی است. مساجد تاریخی آن عبارتند از: مسجد جامع، مسجد خواجه، مسجد شیخ محمد ربیع و مسجد گلوان. یکی دیگر از بناهای قدیمی نائین که قدمت آن مشخص نیست، نارنج قلعه است. (کیهان، ۴۴۰-۴۴۱) در میان آثار تاریخی نائین، مسجد جامع از همه مهمتر است و جاذبه گردشگری به شمار می‌آید. قدمت آن به دوره بعد از فتوحات اسلامی و پیش از استقرار سلجوقیان باز می‌گردد و یکی از قدیمی ترین آثار گچ‌بری بعد از اسلام را می‌توان در آن مشاهده کرد. (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۳۶) بنا به

نظر برخی از مورخین قدمت این مسجد به دوره خلیفه اموی، عمر بن عبدالعزیز می‌رسد. (اعتماد السلطنه، ۲۰۳۹) این ادعا بر اساس چند خشت که اسامی خلفاء در آن ثبت شده، ابراز شده است. ولی تاریخ منبر مسجد به سال هفتصد و یازده هجری و تاریخ درب مسجد نیز هفتصد و هشتاد و چهار است. (همان. کیهان، ۱۳۱۱: ۴۴۲)

نائین در حمله مغولان و بعد از آن در فاصله زوال ایلخانان تا روی کار آمدن صفویان در دوران فترت به ترتیب با تاخت و تاز چنگیز و فرزندانش و بعدها تیمور و فرزندانش مواجه شد و از مردم این خطه عده زیادی کشته شدند. (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۲۴۰) در زمانه مورد بحث، مردم نائین همواره در مقابل ظلم و ستم‌های یاغیان، حاکمان و مهاجمان، ایستادگی می‌کردند. در این خصوص در منابع تاریخی شواهدی می‌توان یافت. برای نمونه گزارشی از دوره غازان خان مغول، هفتمین ایلخانان برجای مانده است که اشاره به حاکم ظالمی به نام یوسف شاه اتابک دارد که مردم نایین و یزد از ظلم او به ستوه آمده بودند. در این هنگام، یوسف شاه با روی کار آمدن غازان خان بر خلاف سایر اتابکان، با بی‌اعتنایی هدایایی که مرسوم بود، برای ایلخان ارسال نکرد. با رسیدن این خبر به اردوی غازان خان، وی با عصبانیت امیر محمد ابداجی را که در اصفهان بود، با سی هزار سوار به نایین و یزد اعزام کرد؛ اما با رسیدن سربازان او به نایین، یوسف شاه فرار کرد و اهالی یزد و نائین که خبر متواری گشتن اتابک را شنیدند، عده‌ای از علما و سادات و معتمدین محلی را با قرآن مجید نزد امیر محمد ابداجی فرستاده، اظهار کردند: «مردم اینجا از حرکات اتابک ناخشنودند و خداوند فرموده است: «ولا تزرو ازره وزرَ آخری» (فاطر: ۱۸) ما نباید بار ستم او را بدوش بکشیم، او به رأی خویش رفتار می‌کرد و از ناصحان و صلحا پند و نصیحتی نمی‌پذیرفت و اکنون کلام الله شفیع ماست». این اقدام مردم باعث صدور فرمان عفو عمومی از سوی محمد ابداجی شد. وی پس از نظم‌دادن به امور، یکی از معتمدانش را به عنوان داروغه بر یزد و نایین

گماشت. (آیتی، ۱۳۱۷: ۱۱۹-۱۲۱) همچنین از این پس عارف و عالم مشهور حاج میرجلال‌الدین احمد که از یزد به نایین مهاجرت کرده بود، بنا به توصیه امیر شمس‌الدین محمد به نظام‌الدین از سوی غازان خان مغول بر طبق فرمانی به عنوان خطیب جمعه نایین و متصدی امور شرعی و رقبات وقفی تعیین گردید. (همان) افزون بر این، از جمله دیگر مقاومت‌های مردم نائین در دوره ملک اشرف چوپانی روی داد. وی که قصد قلعه نائین را داشت، با مقاومت شدید مردم شهر روبرو شد و پس از مدتی بدون نتیجه نائین را ترک کرد. (مشتاقی نائینی، ۶۷).

با برآمدن صفویان و بعدها با انتخاب اصفهان به عنوان مرکز حکومتشان، نایین که تا آن زمان از توابع یزد بود، از لحاظ اداره امور زیر نظر اصفهان قرار گرفت و این تغییرات در توسعه اجتماعی - اقتصادی و شکوفایی علمی - فرهنگی نایین تأثیر به‌سزایی داشت. در همین راستا، تعیین حاکمان شرع شهرستان‌های نائین و یزد و ابرقوه و اردستان با مقام صدر خاصه بود و امور شرعی را در این مناطق نایب‌الصداره و سایر مباشرین صدر خاصه به نیابت از او به انجام می‌رساندند. (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۲) برای نمونه می‌توان گفت بر اساس فرمانی که از شاه طهماسب صفوی در دست است، عالمی به نام سید جلال‌الدین محمد تونی به سرپرستی و اداره نایین منصوب شده و رسیدگی به امور شرعی، امر به معروف و نهی از منکر، امور وقفی و عمران و آبادی اماکن مذهبی را عهده‌دار بوده است. در ادامه این فرمان از مردم نایین بویژه کلانتران، سادات و کدخدایان خواسته شده بود «اوامر و نواهی مشروعه» این «سید بزرگوار» را در امور گوناگون اطاعت و با عزت و احترام با او رفتار کنند. (بلاغی، ۸۸)

اگرچه اکنون مردم نائین مسلمان و شیعه دوازده امامی‌اند (فرهنگ جغرافیایی، ۱۱۷). اما در گذشته و در قرن هفتم مذهب مردم نائین سنی شافعی بودند و پس از آن به تشیع دواده امامی

روی آورده اند. افکار و عقاید اهالی نائین پیش از صفویه با یزد هم آهنگی داشته ولی از آن تاریخ به بعد با اصفهان هماهنگ شده است؛ حتی موج‌های مذهبی که در اصفهان پدید آمد هر چند مختصر بر منطقه نائین نیز تأثیر گذاشت چنانکه پیدایش عقاید شیخیه و بهائیه و همچنین تبلیغاتی که مسیحیان در آنجا انجام دادند، موجب شد یک تن در نائین غسل تعمید داده شده، به کیش مسیحیت درآید. (بلاغی، ۸۴ و ۳۳۴) در ادامه به بلوایی که بواسطه شیوع فرقه شیخیه در نائین به راه افتاد، اشاره خواهد شد. زین العابدین شیروانی، عارف و سیاح دوره فتحعلی شاه قاجار در شرح سفر خود مابین سال‌های ۱۲۴۷ تا ۱۲۵۰ قمری، مردم نائین را شیعه امامیه معرفی کرده و حاجی عبدالوهاب مرشد، حاجی محمد حسن تبریزی الاصل، میرزا ابوالقاسم شیرازی و میرزا عبدالرحیم را از عرفای این شهر دانسته است (شیروانی، ۶۰۰-۶۰۱).

در دوره صفویه، نائین محل مناسبی برای تفریح و شکار پادشاهان این سلسله بود. در یکی از منابع به خروج شاه عباس از اصفهان به عزم شکار به اردستان، نایین و کوپا [کوهپایه] اشاره شده است. (محمود سیستانی، ۳۳) در همین دوران و در سال ۱۰۱۲ قمری، در ایالت اصفهان و از جمله در نائین بلاهای طبیعی چون باد و توفان به وقوع پیوست و پس از آن بیماری طاعون همه گیر شد و آثار مخربی بر اقتصاد و جمعیت آن مناطق برجای گذاشت. بر اساس گزارش افوشته‌ای نطنزی، نائین نیز مثل سایر مناطق اصفهان دچار آسیب و کاهش جمعیت شد. کاهش جمعیت بر اثر دو عامل رخ داد: یکی مرگ و میر و دیگری مهاجرت اجباری بسیاری از سکنه نائین به علت بیماری طاعون. (افوشته‌ای نطنزی، ۵۳۳-۵۳۲) این نویسنده در تحلیلی به نقش مخرب و منفی دستگاه سلطنت و شخص پادشاه در گسترش چنین مسئله‌ای اشاره می‌کند. (همان)

نکته درخور توجه دیگر در دوره صفویه، حضور قبایل عرب عامری در منطقه نایین، اردستان و زواره بود. گفته می‌شود که امیر تیمور گورکانی، این قبیل را بعد از رشادت‌هایی که در جنگی که

مابین تیمور با اهل شام به خونخواهی امام حسین. (ع) صورت گرفت، انجام دادند، با خود به ایران آورد و در مناطق شرق زواره جای داد. در عهد صفوی نیز آنان برای حفظ راه‌های کاروانی انتخاب شدند. (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۲۹) مسئله دیگر در همین دوره، اختلافات و درگیری‌های حیدری و نعمتی بود. مردم محله‌های نایین هر گاه از نظر اجتماعی و مادی با هم اصطکاکی پیدا می‌کردند، خود را با نام حیدری یا نعمتی مشخص می‌کردند. محله‌های باب المسجد و کلوان حیدری و پنج محله چهل دختران، گودالو، پنجاهه، نوگ آباد و سرای نو طرفدار نعمتی بودند. در ماه‌های محرم و صفر به ویژه در روز عاشورا، نزاع آنان به اوج خود می‌رسید. منشأ مخاصمات این دو دسته به خوبی روشن نبود، گاهی از تعصبات قومی بی اساس سرچشمه می‌گرفت و وحدت شهر را دچار مخاطره می‌کرد. علما و خطبای دینی با دلسوزی و تلاش وافر می‌کوشیدند این ناهنجاری‌ها را برطرف سازند. (بلاغی، ۲۱۹)

از تحولات نایین در سال‌های حاکمیت افغان‌ها، افشاریه و زندیه چندان اطلاعاتی در دست نیست. در دوره‌ای که آقا محمد خان به دنبال تثبیت قدرت خود و تشکیل سلسله قاجاریه بود، گروهی از افراد قبیله عامری که پیش‌تر ذکر آن‌ها رفت و در صحنه سیاسی - اجتماعی نایین ظاهر شده بودند، در این دوره یکی از این افراد، محمدحسین خان عرب عامری بود که مدتی را به عنوان گروگان در شیراز نزد کریم خان به سر می‌برد و بعد از وفات وی به اردستان و منطقه نایین آمد و از کاشان تا یزد را زیر سلطه خود درآورد و به آقا محمد خان و جعفر خان زند تسلیم نشد و حکومت مستقلی تشکیل داد. وی برای اینکه نفوذ خود را ریشه‌دار کند، با خوانین ترشیز و سادات طباطبایی وصلت کرد، دختر خود را به سید کاظم طباطبایی فرزند ارشد میرزا آقا علی زواره‌ای داد و داماد خود را در ساختن بناهای خیریه یاری کرد. استقلال محمدحسین خان عامری دیری نپایید چنان‌که عاقبت وی در منطقه سفلائی زواره و در شهراب، قلعه‌ای وسیع و محکم بنا کرد تا

به هنگام درماندگی به آنجا پناه برد ولی هنگامی که می‌خواست از قلعه بیرون برود، با تدبیری که از قبل اندیشیده شده بود به اسارت افراد آقا محمد خان قاجار درآمد و کشته شد. (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۲۴۵) پس از او شعبه‌ای از این خاندن به دنبال ایجاد رابطه با قاجارها برآمدند. ابوطالب نامی کوشید تا پسر خود، محمدتقی را به سران قاجار نزدیک کند. محمدتقی دو پسر داشت که پسر ارشدش با دسیسه‌ای در قلعه هرمز آباد، از توابع زواره و در شمال غربی نائین، به قتل رسید. پسر دیگرش مصطفی قلی‌خان، که فردی سیاستمدار بود، از طریق نزدیکی به خاندان حکومتگر قاجار موفق شد مدت سی سال از دروازه قم تا دروازه یزد را در اختیار بگیرد و مالک الرقاب منطقه و مردم آن شود. وی از این راه ثروت فراوانی به دست آورد و برای آنکه مردم را خاموش نگه دارد و کسی بر وی شورش نکند، با کدخداها و رؤسای روستاها هم دست شد. مصطفی قلیخان در برخورد با مردم رفتار خوبی نداشت و حتی اموال روستائیان را به زور تصاحب می‌کرد. پس از مرگ او، پسرش انتظام الملک به قدرت رسید. وی در سال ۱۳۲۶ ق یکی از علمای برجسته و فضایی نامدار ناحیه میبد یزد را که حاجی ملا رضا نام داشت و علیه استبداد و اختناق قاجار و ستم خوانین سخن گفته بود، دستگیر کرد و او را به ساغند تبعید کرد و پس از مدتی به قتل رساند. (گلی زواره، ۶۷) پس از انتظام الملک، گروهی از افراد قبیله عامری به رهبری اسعد السلطنه سرپرست آنان، به حاکمیت رسیدند. این گروه اگر چه با خانواده مصطفی قلیخان از یک تیره بودند، ولی هرگز روش نامطلوب آنان را در پیش نگرفتند. (همان)

فساد اقتصادی کارگزاران حکومتی از جمله معضلات اجتماعی دوره قاجاریه در نائین و سایر شهرهای ایران بود. برای نمونه در یکی از روایت‌ها به این مسئله اشاره شده است که میرزا محمد خان سپهسالار فرمان صدر العلمائی نائین را به شخصی به نام میرزا محمد صادق اعطا می‌کند و او نیز به همراه فرزنداناش به چپاول اموال مردم مشغول می‌شوند. (مشتاقی نائینی، ۷۰)

نائین از حوادث مشروطیت تا جنگ دوم جهانی

به علت دوری نائین از مرکز تحولات و همچنین سکوت منابع درباره رخداد‌های نائین در این دوره، به دقت نمی‌توان تصویری روشن و آشکار از منازعات درونی این منطقه ترسیم کرد. با این اوصاف باید گفت، هنگامی که مظفرالدین شاه قاجار اعلامیه تشکیل مجلس شورای ملی را در مرداد ۱۲۸۵ش/ آگوست ۱۹۰۶م امضا کرد، مبارزه برای مشروطیت تازه آغاز شده بود. مخالفت طبقه مرتجع و سلطنت طلب - که محمد علی شاه قاجار در رأس آنان بود - با آزادی‌خواهان، برخی از مناطق ایران را عرصه جنگ داخلی خونین و ناامنی کرد که از خردادماه ۱۲۸۷ تا تیرماه ۱۲۸۸ش/ ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۰م ادامه داشت. شهرستان نائین نیز از امواج این کشمکش‌ها بی‌تأثیر نماند. در این شهر عده‌ای هواخواه مشروطه بودند و برخی هم از شاهان قاجار حمایت می‌کردند. این دو گرایش متضاد، نزاع‌های قومی را که از گذشته نشأت می‌گرفت و به اختلافات حیدری و نعمتی شناخته می‌شد، افزایش داد. میرزا محمد علی مجتهد نایینی را می‌توان رهبر مشروطه خواهان نایین دانست. (گلی زواره، ۶۹) افزون بر او، میرزا عیسی شیخ الاسلام برادر آیت الله میرزا محمد حسین نایینی و نظام العلما نیز از مشروطه خواهان بودند. انتظام الملک فرزند مصطفی قلی خان که ذکر قساوت‌های او پیش‌تر آمد، به منظور مبارزه با مشروطه خواهان به محل استقرار آنان یورش برد و عده‌ای از آنان را مضروب کرد و اموال آنان را به یغما برد. (همان)

در سال ۱۳۲۵ ق انجمنی به نام انجمن طرفداران مشروطه در منطقه خور تشکیل شد که عده‌ای از معتمدین محلی و روحانیون رهبری آن را برعهده داشتند. در جلسات انجمن، سخنرانان معایب و مفاسد استبداد و فواید مشروطه را برای مردم بر می‌شمردند. انجمن مزبور بیش از چهل روز دوام نیاورد، چرا که به اعتقاد برخی در این برهه تاریخی، نایین و مناطق اطراف آن دوره‌ای از

ناامنی را می‌گذراندند. (همان) اما بر اساس برخی مدارک، دلیل دیگری نیز برای از میان رفتن این انجمن ذکر شده است. در شماره‌ای از روزنامه الجمال چاپ اصفهان فردی که خود را تنها با نام. (ح ..) معرفی کرده است نامه‌ای به مدیریت روزنامه فرستاده و درباره شکل‌گیری انجمن در نائین می‌نویسد: «مدت‌های قبل بعضی خیال انعقاد انجمن در نائین داشته، از مجلس مقدس شورای ملی تلگرافاً حکمی رسید که در دهات و قصبات حق تشکیل انجمن ندارند و جزء باید تابع کل باشد، زمانی که در یزد انجمن ولایتی تشکیل یافت نائین هم باید تابع آن باشد نهایت آن که بعد از آن هر گاه خواستند به اذن و تصویب انجمن یزد به طور قانون و دستورالعمل انجمن بلدی تشکیل دهند چه ضرر دارد. باری به هر شکل بود چون اسباب فتنه و فساد در آن مترتب بود توقیف نمودند» (الجمال، ۱۳۸۵: ۲۸۲)

در این دوره فقدان امنیت، مانعی در راه رشد نائین محسوب می‌شد، چنانکه در کتاب وقایع اتفاقیه که مجموعه گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس است، اخباری از ناامنی و دزدی و غارت در نائین وجود دارد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۸۳: ۲۲۵ و ۳۶۳)

پس از استقرار مشروطیت، یکی از خوانین بختیاری حاکم نائین شد و این موضوع با سنت پیشین مبنی بر بومی‌بودن حاکم این شهر که از دوره کریم خان زند برقرار شده بود، مغایرت داشت. (بلاغی، ۴۸-۴۹) این حاکم غیر بومی، میرزا حسین خان بختیاری نام داشت که نزد نائینی‌ها به حسین لر معروف بود. بر اثر ظلم و ستم‌های این شخص که اطلاعی از امور حکومتی جز اجحاف در حق مردم و جریمه گرفتن نداشت، جمعیتی در نائین به نام کمیته شش نفری تشکیل شد که عبارت بودند از: میرزا محمود امام جمعه، حاج محمد قلیچ خان، میرزا ابوالفضل امامی، شیخ الاسلام حاج میرزا عیسی، میرزا محمد رفیع جلوخانی، سیف السادات. این افراد بدون اختلاف نظری و با اکثریت آراء، رأی به برکناری حسین لر دادند و او را از این مقام عزل کردند.

پس از حسین لر، مدتی حکومت نائین با خود نائینی‌ها بود، با این حال از سال ۱۳۰۰ تا مدتی اغلب حکام این شهر، غیر بومی بودند. (همان)

با پیروزی مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی، نمایندگان از سراسر ایران انتخاب شده و به مجلس راه یافتند. در این دوره اصفهان، یزد، کاشان، قم و ساوه در مجموع دوازده نفر وکیل داشت. یکی از این دوازده نفر، مرتضی قلیخان طباطبایی نائینی بود که از نائین به نمایندگی نخستین دوره مجلس راه یافت. (همان، ۵۵)

علما از گذشته تا کنون افزون بر نقش هدایتی در امور دینی، در امور اجتماعی و فرهنگی نیز فعالیت موثری ایفا کرده‌اند؛ چنانکه در شهرستان نائین نیز چنین نقشی از سوی علما قابل ردیابی است. اولین نمونه، اقدامات آنان در حل و فصل دعواهای قومی و نمونه دیگر، فعالیت آنان در حوزه فرهنگی بود: از جمله مشکلات اجتماعی نائین در عصر مشروطه که با فعالیت‌های علما کاهش یافت، اختلاف و درگیری همیشگی حیدری و نعمتی یا اختلافات قومی پیش از مشروطیت بود. در این دوره عده‌ای از افراد حیدری به فرقه شیخیه متمایل شدند. رواج این مکتب در روستای جندق. (از توابع بخش خور نائین) از سال ۱۳۱۶ق آغاز می‌شود، در این سال به دنبال حادثه‌ای که در همدان روی داد، یکی از پیشوایان فرقه مزبور به نام حاج محمد باقر همدانی به جندق آمد و در آنجا به تبلیغ و انتشار عقاید شیخ احمدکسای پیروان و تعدادی از اهالی روستا را به دور خود جمع کرد. وی در جندق کرسی درس ترتیب داد و کتب شیخیه از قبیل ارشاد العوام و کفایه المسایل را برای حاضرین می‌خواند. مجتهدان بزرگ جندق، حاج سید میرزای جندقی، حاج سید نصرالله قاضی و حاج سید حبیب‌الله و فرزندان آنها که همگی در کسوت مقدس روحانیت بودند به مخالفت با پیروان این فرقه و تنویر افکار عمومی پرداختند. (ینمایی، ۱۳۷۰: ۱۰۴ - ۱۰۵). در این میان، نعمتی‌ها که کماکان بر مذهب شیعه

دوازده امامی بودند، با حیدری‌ها که برخی از آنها به فرقه شیخیه گرویده بودند، به شدت درگیر شدند و وضعیت جدید آتش جنگ‌های را بیش از پیش گسترده کرد، به نحوی که علمایی چون میرزا محمد مجتهد و میرزا عباس کاشفی در امامزاده نائین متحصن شدند و در مقابل وضعیت پیش‌آمده به شدت ایستادگی کردند. تحصن و اعتراض آنان، منجر به آن شد که نه تنها از محلات نعمتی کسی به این مسلک جدید نگرید، بلکه در بین حیدری‌ها نیز طرفداران آنان کاهش یافت. نمونه دیگری از فعالیت علما در نائین، جلوگیری از نفوذ آمریکایی‌ها بود. پس از کودتای ۱۲۹۹، نفوذ آمریکایی‌ها از طریق احداث مدارس و سعی آنان در تبلیغ دین مسیحیت در منطقه نائین، علما را به شدت نگران ساخت. در همین راستا، آیات عظام ابوالحسن موسوی اصفهانی و محمد حسین غروی نائینی، طی نامه‌ای به حجت الاسلام حاجی میرزا احمد اسدالله‌زاده خراسانی، ضرورت برخورد با آمریکایی‌ها را بیان کردند (سندهای بدون شرح، ۱۳۸۰: ۳۲۰) این دو مجتهد افزون بر این اقدام، در نامه‌ای دیگر بعد از به سلطنت رسیدن رضا شاه، وی را به رعایت اصول قانون اساسی و از جمله اجرای اصل نظارت ۵ تن از مجتهدین عظام برای «حفظ اسلامیت مملکت» فراخواندند. (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

در دوره حاکمیت رضا شاه، هنوز سطح زندگی عمومی در شهرها از جمله نائین پایین و فضای عمومی آن بدون رسیدگی و در اوج شلختگی بود. در همین رابطه مسعود کیهان وضعیت عمومی شهر نائین و مردم آن را در سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ چنین گزارش می‌کند: «با قرای اطراف قریب ۱۲۵۵۸ نفر جمعیت دارد. کوچه‌های آن تنگ و کثیف و بسیار متعفن است. شغل عمومی اهالی تا چندی قبل عبا بافی بوده ولی امروز فقیر و پریشانند و آنها که استطاعتی دارند دستگاه‌های قالیبافی دایر کرده‌اند از حیث فقدان آب ساکنین نائین فوق العاده در زحمت [اند] و بعضی سالها که خشکسالی است آب را کوزه‌های ده شاهی الی یکقران خریداری می‌کنند. آب مشروب اهالی از ۱۰ آب انبار که از دو الی هفت فرسخ برای پرمودن آنها آب می‌آورند به دست می‌آید چهار رشته

قنات بی اهمیت نیز دارد.» (کیهان، ۱۳۱۱: ۴۴۰) افزون بر این، در این دوره، حاکمیت با هدف گسترش تمدن تجدد، سنت‌های اسلامی - ایرانی که قرن‌ها شالوده تمدن ایران شده بود، نادیده گرفت و به سرعت به دنبال اجرای قوانین جدید ملهم از غرب بود؛ از جمله این تغییرات، می‌توان به کشف حجاب اشاره کرد. فضای مذهبی شهر نائین نیز تحت تأثیر این تغییر گسترده قرار گرفت.

نتیجه

باوجود قرارگرفتن نائین در حوزه جغرافیایی خشک و نیمه بیابانی، اما این شرایط مانع از رشد و گسترش تمدن شهری در این خطه از ایران نشده بود. مردم این شهر، در حوزه اقتصادی، از گذشته‌های دور در زمینه صنایع دستی همچون عبابافی، قالی‌بافی و دیگر مشاغل تبحر خاصی یافتند و با عبور راه تجاری ابریشم از مرکز ایران، بازار مناسب و در دسترس برای فروش محصولاتشان پیدا کردند. آنان مردمی به شدت دیندار و مذهبی بوده و هستند چنانکه وجود حسینیه‌های کوچک و متعدد در کوچه پس‌کوچه‌های این شهر و مهمتر از آن، برپایی یکی از نخستین مساجد در ایران در نائین یعنی مسجد جامع نائین، بیانگر این موضوع است. تحولات سیاسی در نائین تا حدود زیادی تحت تأثیر تحولات سیاسی اصفهان و یزد بود چراکه تا مدت طولانی نائین تحت حاکمیت یزد و پس از آن اصفهان قرار گرفت. با اسکان قبیله عرب عامری در این منطقه از دوره تیموری به این سو، بر شدت حوادث سیاسی نائین افزوده شد. سران این قبیله کم‌کم بر قدرت و جاه‌طلبی‌های سیاسی‌شان افزودند چنانکه پس از سال‌ها در اواخر دوره زندیه محمدحسین خان عرب عامری، علم استقلال در این منطقه برافراشت. با وجود ناکام ماندن محمدحسین خان، فعالیت‌های او سبب شد تا کسان زیادی از قبیله عامری در طول سالیان بعد نفوذشان را در نائین حفظ کنند. در نائین افزون بر حوادث سیاسی، رخدادهای فرهنگی و اجتماعی نیز در جریان بود که از جمله مهمترین آنها، نفوذ ادیانی همچون مسیحیت و مذاهبی همچون شیخیه بود. فعالیت آنان با واکنش مراجع مذهبی نائین و پیروان آنها

مواجه شد و زمینه اختلافات و درگیری‌های دامنه‌داری را فراهم کرد که تا دوره معاصر کم و بیش ادامه داشت.

منابع

ابن بلخی. (۱۳۷۴) *فارسنامه ابن بلخی*. به تصحیح منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس شناسی. اصطخری، ابراهیم بن محمد. (۲۰۰۴) *المسالك والممالك*. مصر، قاهره: الهيئة العامة لقصور الثقافة. اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی. *تاریخ منتظم ناصری*. به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

_____ (۱۳۶۷) *مرآت البلدان*. تهران: دانشگاه تهران.

افوشته ای نطنزی، هدایت الله. (۱۳۷۳) *نقاوه الاثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه*. به کوشش احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی.

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

آیتی، عبدالحسین. (۱۳۱۷) *تاریخ یزد*. یزد: چاپخانه گلپهار یزد.

الجمال. (بقیه مواعظ آقا سید جمال الدین از شماره ۳۰) *مجله یاد*. بهار ۱۳۸۵، ش ۷۹.

بلاغی، سید عبدالحجت. (۱۳۶۹) *تاریخ نائین*. تهران: بی‌نا.

بیک محمدی، حسن. (۱۳۹۰) *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخ ایران*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، چ ۵.

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله. (۱۳۷۵) *جغرافیای حافظ ابرو*. ج ۲، به تصحیح صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب.

حدود العالم من المشرق الی المغرب. (۱۳۷۲) ترجمه میر حسین شاه، به تصحیح غلامرضا ورهام و مریم میر احمدی، تهران: دانشگاه الزهرا.

جامع نائینی، محمدتقی. (۱۳۸۳). *ویژگی‌های زبان محلی نائین*. اصفهان: انتشارات مهر قائم، چ ۱.

ساعدلو، هوشنگ. (۱۳۵۷) *دوران هواشناسی آب و هوای نواحی مرکزی ایران و مطالعه نتایج*

اقتصادی و اجتماعی آن. تهران: سازمان برنامه و بودجه مؤسسه برنامه ریزی ایران.

سجادی نائینی، سید مهدی. (۱۳۷۹) *نائین بلده طیبه*. اصفهان: کانون پژوهش.

- سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۴) *نابین، شهر هزاره‌های تاریخی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- سیستانی، ملک شاه حسین بن ملک غیاث الدین محمد بن شاه محمود. (۱۳۸۳) *احیاء الملوک، تاریخ سیستان تا عصر صفوی*. به تصحیح منوچهر ستوده، تهران: علمی و فرهنگی.
- شیروانی، زین العابدین، *بستان السیاحه*. تهران: سنایی، بی تا.
- عرفان منش، جلیل. (۱۳۷۶) *تحولات تاریخی هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو*. مشهد: آستان قدس رضوی و بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، نائین. (۱۳۶۰) ج ۷۲.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین. (۱۳۸۶) *تاریخ جدید یزد*. به تصحیح ایرج افشار، تهران: امیر کبیر.
- کریستی ویلسن، جی. (۱۳۶۶) *تاریخ صنایع ایران*. ترجمه عبدالله فریار، تهران: فرهنگسرا.
- کیهان، مسعود (۱۳۱۰-۱۳۱۱) *جغرافیای مفصل ایران*. (جغرافیای سیاسی) تهران: ابن سینا.
- کرمانی، ملا محمد مومن. (۱۳۸۴) *صحیفه الارشاد*. تهران: علم.
- گلی زواره، غلامرضا. (۱۳۷۳) *سیمای نائین - گوهر کویر*. بی جا: مرکز چاپ سازمان تبلیغات اسلامی.
- لسترنج، گای. (۱۳۶۷) *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی - فرهنگی.
- محیط طباطبایی، سید محمد (۱۳۵۳) *عامری‌های اردستان*، در: حبیب یغمایی، *عامری نامه*. تهران: یغما.
- مستوفی قزوینی، حمد الله. (۱۳۸۱) *نزهة القلوب*. به تصحیح سیدمحمد دبیرسیاقی، قزوین: حدیث امروز.
- مشتاقی نائینی، علی بن محمد. (۱۳۶۶) *گزارش کویر، سفرنامه صفاء السلطنه نائینی، تحفه الفقراء*. تهران: اطلاعات.
- مهدوی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۶) *اصفهان دار العلم شرق*. به تصحیح محمد رضا نیلفروشان، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.

میرزا سمیع، محمد سمیع (۱۳۷۸) *تذکره الملوک*. ترجمه مسعود رجب نیا، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: امیر کبیر.

ناصر خسرو قبادیانی مروزی، حمید الدین ابومعین. (۱۳۷۳) *سفرنامه ناصر خسرو*. به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: زوار.

ناظم الاسلام کرمانی، میرزا محمد. (۱۳۸۴) *تاریخ بیداری ایرانیان*. ج ۳، تهران: امیر کبیر.

واله قزوینی، محمد یوسف. (۱۳۸۲) *ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم*. مصحح محمد رضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

وقایع اتفاقیه. (۱۳۸۳) به تصحیح علی اکبر سعیدی سیرجانی، ج ۱، تهران: نشر آسیم.

یغمایی، عبدالکریم حکمت. (۱۳۷۰) *بر ساحل کویر نمک*. تهران: توس.

«سندهای بدون شرح»، *مجله مطالعات تاریخی*. پاییز ۱۳۸۰، ش ۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی